



درس فارح فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

تاریخ: ۲۰ آذر ۱۴۰۳

مصادف با: ۸ جمادی الثانی ۱۴۴۶

موضوع جزئی: موضوع شناسی: ۲. تورم - روش محاسبه تورم - ۱. شاخص قیمت مصرف کننده -

۲. شاخص قیمت عمده فروشی - ۳. شاخص قیمت تولید کننده - ۴. شاخص قیمت مصرف شخصی -

علت بحث از روش محاسبه تورم - مشکلات محاسبه تورم در ایران

جلسه: ۲۱

سال دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

روش محاسبه تورم

یکی از بحث‌هایی که در رابطه با تورم باقی مانده و مربوط به بخش موضوع شناسی تورم است و البته در بحث اصلی ما بی‌تأثیر نیست، نحوه محاسبه تورم است. عرض کردیم افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در یک دوره زمانی معین به عنوان تورم شناخته می‌شود. مسئله تورم ابعاد مختلفی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها چگونگی محاسبه تورم است. در مورد محاسبه تورم چند شاخص دارای اهمیت است؛ شاخص قیمت مصرف کننده، شاخص قیمت عمده‌فروشی، شاخص قیمت تولیدکننده، شاخص قیمت مصرف شخصی. من یک توضیح مختصری راجع به هر یک از این شاخص‌ها می‌دهم و بعد چگونگی محاسبه را به صورت مختصر ذکر خواهم کرد.

۱. شاخص قیمت مصرف کننده

منظور از شاخص قیمت مصرف کننده، تغییرات قیمت در سبد کالا با توجه به وزن هر کالا نسبت به کل سبد کالا است. این شاخص در واقع تغییرات به وجود آمده در هزینه زندگی افراد را ارزیابی می‌کند و نقش مهمی در محاسبه تورم دارد. منظور از سبد کالا یک مجموعه‌ای از کالاها مثل خوراک، پوشاک، مسکن، خدمات بهداشتی، حمل و نقل و سایر موارد است؛ چیزی حدود ۳۵۹ یا ۳۶۰ مورد، چه کالای مصرفی و چه خدمات در نظر گرفته می‌شود و میانگین وزنی قیمت سبد این کالا به عنوان شاخص قیمت مصرف کننده لحاظ می‌شود. مثلاً فرض بفرمایید یک خانوار دارای مصرف متوسط را در نظر می‌گیرند و شاخص قیمت مصرف کننده را در مجموع این کالاها و خدمات بدست می‌آورند. در این سبد کالایی ممکن است یک کالایی افزایش بیشتری داشته باشد و یک کالایی افزایش کمتری داشته باشد، یا یک کالایی افزایش نداشته باشد که البته این کمتر اتفاق می‌افتد. اینها را دقیق محاسبه می‌کنند، به حسب تعداد افراد، میزان مصرف، قیمت آن کالا یا خدمت و میانگین وزنی آن را در نظر می‌گیرند؛ این می‌شود شاخص قیمت مصرف کننده. اصطلاحاً کل سبد کالایی را CPI نامگذاری کرده‌اند؛ یک علامت اختصاری برای کل سبد کالا. آن وقت این شاخص قیمت‌ها در کل سبد کالا، هر کدام با یک عدد متفاوت می‌شود؛ مثلاً CPI 1 دارند، CPI 2 دارند و این را در فرمولی که اشاره خواهم کرد، قرار می‌دهند و تورم را محاسبه می‌کنند.

۲. شاخص قیمت عمده‌فروشی

شاخص قیمت عمده‌فروشی مربوط به تغییرات قیمت کالا در مرحله تولید است. تا پیش از رسیدن به مرحله خرده‌فروشی، الان در مشاغل مختلف یک بخش وجود دارد که اجناس و کالاها را یا حتی خدمات را به صورت عمده ارائه می‌دهند. ما که

در مغازه خریداری می‌کنیم، مصرف‌کننده خرد محسوب می‌شویم؛ به حسب نیازی که داریم، یکی دو تا از آن کالا می‌خریم و استفاده می‌کنیم. اما مغازه‌دارها اینها را مستقیماً از تولیدکنندگان نمی‌خرند؛ خرده‌فروشان از یک واسطه‌ای به نام عمده‌فروش می‌خرند که او هم از تولیدکننده خریداری کرده است. لذا قیمت عمده‌فروشی با قیمت خرده‌فروشی که همان قیمت مصرف‌کننده است، متفاوت است. چون بالاخره یک سودی هم باید نصیب خرده‌فروشان شود. آن تغییراتی که در سطح عمده‌فروشی اتفاق می‌افتد، از مرحله تولید کالا تا می‌رسد به مرحله خرده‌فروشی، این خودش یک شاخصی دارد که به عنوان شاخص قیمت عمده‌فروشی شناخته می‌شود.

۳. شاخص قیمت تولیدکننده

شاخص قیمت تولیدکننده، میانگین تغییرات قیمت فروش از منظر تولیدکنندگان داخلی و خدمات اولیه محاسبه می‌شود. در دو شاخص قبلی، یعنی شاخص قیمت مصرف‌کننده یا خرده‌فروشی و شاخص قیمت عمده‌فروشی، تغییرات قیمتی را از نظر خریدار - چه خریدار خرد و چه خریدار عمده - در نظر می‌گرفتند؛ اما اینجا تغییرات قیمتی را از منظر تولیدکننده که فروشنده کالا به عمده‌فروش محسوب می‌شود، در نظر می‌گیرند. طبیعی است که وقتی تولیدکننده قیمت خودش را اعلام می‌کند برای کالایی که تولید می‌کند، طبیعتاً افزایش سطح عمومی قیمت‌های کالاهای تولیدشده در یک دوره زمانی معین، باید اندازه‌گیری و محاسبه شود؛ این هم یک شاخصی است که به عنوان شاخص قیمت تولیدکننده معرفی می‌شود. عمده‌شاخص‌ها این سه شاخص است؛ البته در محاسبه تورم لزوماً همه اینها مورد نظر نیست.

۴. شاخص قیمت مصرف شخصی

یک شاخص دیگری هم به عنوان شاخص قیمت مصرف شخصی مطرح است؛ یعنی میانگین پولی که مصرف‌کنندگان در مقابل دریافت یک کالا یا خدمت در گذر زمان پرداخت می‌کنند. این شاخص طبیعتاً در یک مدتی مثل یک ماه به عنوان مصرف ماهیانه اشخاص به روز می‌شود؛ طبیعتاً این تغییرات در مقایسه با مدت‌های دیگر، محاسبه و اندازه‌گیری می‌شود. این تغییرات قیمتی در مورد مصرف‌کننده، تولیدکننده و عمده‌فروش، مجموعاً بر کل اقتصاد اثر می‌گذارد. وقتی ما می‌گوییم تورم عبارت است از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، این افزایش اولاً یکسان نیست و همه چیز با هم رشد نمی‌کند؛ ثانیاً در مورد بعضی بخش‌ها ممکن است افزایشی در کار نباشد؛ همچنین یک سری مواردی است که اساساً مورد نیاز عموم نیست؛ مثلاً یک کالای لوکس که مصرف‌کنندگان خاصی دارد، هر چه هم قیمت آن بالا برود، در آن سبد کالایی ملاحظه نمی‌شود. لذا مثلاً اگر یک کالای بسیار لوکس یا یک غذای بسیار اشرافی مثل خاوبار یک دفعه قیمت آن چند برابر شود، درست است که گرانی پیش آمده و افزایش قیمت پیدا کرده، ولی این را در سبد کالایی یاد شده برای محاسبه تورم قرار نمی‌دهند. مگر چند درصد مردم این خوراک را استفاده می‌کنند؟ شاید ۱ یا نیم درصد؛ در بعضی از هتل‌ها و در بعضی از مهمانی‌های خاص ممکن است از این خوراک استفاده کنند.

بنابراین با توجه به اینکه باید نیاز عمومی و مصرف عمومی در نظر گرفته شود و نه یک کالای خاص و با توجه به اینکه در کالاها یا خدماتی هم که عموم مردم استفاده می‌کنند افزایش‌ها یکسان نیست، و با توجه به اینکه ممکن است بعضی از کالاها افزایش خاصی نداشته باشند، لذا یک چیزی را به عنوان سبد کالایی در نظر می‌گیرند که مشتمل بر ۳۵۹ قلم کالا و خدمت است که در آن همه چیز هست؛ مصرف انرژی و آب و برق و گاز و بنزین و برنج و... همه چیزهایی که مردم روزانه از آن

استفاده می‌کنند، نان و مسکن و پوشاک و خودرو؛ تازه هر کدام از این بخش‌ها خودش یک تعداد زیادی قلم کالا را شامل می‌شود. مثلاً بخش مسکن خودش مشتمل بر تعداد زیادی کالا یا خدمت است که باید محاسبه شود. این سبد کالایی نمایانگر مصرف عمومی مردم است و نه مصارف خاص؛ گفتم که مشتمل بر چه کالاها و خدماتی است. آنگاه قیمت‌های این کالاها در دوره‌های زمانی مختلف جمع‌آوری می‌شود؛ ممکن است در طول سال جمع‌آوری شود، ممکن است در طول ماه جمع‌آوری شود، ممکن است در طول روز جمع‌آوری شود؛ آنگاه اینها را در یک فرمولی قرار می‌دهند و محاسبه می‌کنند. البته عمده‌ترین بخش در این سبد کالایی شاخص قیمت مصرف‌کننده است - چه مصرف کالا و چه مصرف خدمت - ... فرمولی هم که تقریباً پذیرفته شده، به صورت زیر است:

$$100 * ((CPI2 - CPI1) / CPI1)$$

یعنی میانگین قیمت جدید، از قیمت میانگینی که قبلاً بوده کسر می‌شود، تقسیم بر قیمت قبلی، ضربدر ۱۰۰. مثلاً در مورد سال‌های مختلف در کشورهای مختلف، این کار را انجام می‌دهند و مثلاً درصد تورم بدست می‌آید. ما میانگین تغییر قیمت‌ها و تورم را در کشورها داریم، حتی در شهرها هم داریم؛ یعنی الان محاسبه در مورد تورم، نسبت به شهرهای مختلف صورت می‌گیرد. الان در ایران یک نرخ تورم کلی داریم و یک نرخ تورم در مورد شهرها داریم؛ یعنی مثلاً نرخ تورم در شهر قم با شهر تهران متفاوت است؛ البته تفاوت و فاصله آن چنان زیاد نیست ولی این تفاوت وجود دارد. مثلاً در مناطق روستایی با مناطق شهری این تفاوت نرخ تورم وجود دارد. در کل کشور هم ما یک نرخ تورم داریم؛ این نرخ گاهی در یک قاره محاسبه و اعلام می‌شود، مثلاً نرخ تورم در اروپا در فلان سال فلان مقدار است. یک نرخ تورم جهانی هم داریم، یعنی در کشورهای مختلف این میانگین بدست می‌آید؛ لذا شما می‌بینید که نرخ تورم جهانی در سال‌های مختلف متفاوت است. یک جایی مثل ونزوئلا یا زیمبابوه که نرخ‌های تورم نجومی دارد، طبیعتاً با کشوری مثل امارات یا سوئیس که نرخ تورم پایین دارند، همه را با هم محاسبه می‌کنند و یک نرخ تورم جهانی را بدست می‌آورند. تازه در نرخ تورم جهانی حتی ممکن است یک دسته‌بندی‌های دیگری هم صورت بگیرد؛ کشورهای در حال توسعه، کشورهای صنعتی و پیشرفته، اینها نرخ تورمشان متفاوت است. مثلاً در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی یک تورم بالای بین‌المللی داشتیم، اما این نرخ تورم بالای بین‌المللی از آغاز قرن ۲۱ معمولاً بین ۳ تا ۵ درصد بوده است. در دوران کرونا نرخ تورم کمی بالا رفت، به دلیل مشکلاتی که شیوع این ویروس در دنیا ایجاد کرده بود؛ هم تولید کم شده بود، هم مصرف کاهش پیدا کرده بود، هزینه‌های درمان و مسائل مربوط به سلامتی و بهداشت افزایش پیدا کرده بود. یا جنگ‌هایی که مثلاً ممکن است در یک منطقه اتفاق بیفتد و تأثیرات بین‌المللی داشته باشد؛ گاهی جنگ‌ها در یک منطقه خاص اثرگذار است ولی گاهی جنگ‌ها به دلیل تأثیراتش در سایر کشورها منجر به یک تورم گسترده‌تر می‌شود. مثلاً جنگ اوکراین و روسیه موجب یک تورم بیشتر از حد معمول در کشورهای اروپایی شد؛ این هم به دلیل وابستگی اروپا به گاز روسیه بود. وقتی در گازرسانی به اروپا خلل ایجاد شد، طبیعتاً قیمت گاز بالا رفت و هزینه تولید در کشورهای اروپایی افزایش پیدا کرد و این خود به خود موجب تورم بالاتر در این کشورها شد.

بالاخره نرخ تورم چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح قاره‌ای و منطقه‌ای و چه در سطح کشور و چه در سطح شهرها، با یک فرمول محاسبه می‌شود؛ همه جا با این فرمول حساب می‌شود. همه جا یک سبد کالایی در نظر می‌گیرند؛ میانگین تغییرات

قیمتی کالاها یا خدمات مربوط به مصرف افراد و خانوارها را می‌سنجند و آن را در این فرمول قرار می‌دهند و نرخ تورم را بدست می‌آورند.

علت بحث از روش محاسبه تورم

اینکه چگونگی محاسبه نرخ تورم را بیان کردم، بیشتر برای این است که اگر ما در آینده برسیم به اینکه کاهش ارزش پول یا افزایش تورم یا خود تورم، در ابواب مختلف تأثیر دارد، در قرض، مهریه، خمس، همه این مواردی که جای این بحث هست، اینکه این تغییرات چگونه محاسبه می‌شود، آیا این درست است یا نه، آیا دقیق است یا نه؛ اگر ما حکم به ضمان کنیم و بگوییم مقترض ضامن این تفاوت ارزش نسبت به مقرض است، چه مقدار را باید در نظر بگیرد؟ اینها راه دارد؛ اینها یک امور عرفی و عقلایی است؛ چیزی به نام تورم که عبارت از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در یک دوره معین است، با یک روش قابل قبول محاسبه می‌شود. این یک روش عرفی است؛ نرخ تورم قابل اندازه‌گیری است؛ به عبارت دیگر نرخ کاهش ارزش پول قابل محاسبه است. اگر ما بتوانیم این را محاسبه کنیم فی‌الجمله، اگر حکم به ضمان شود آن مقداری که ضامن است هم معلوم می‌شود؛ همین مقدار کافی است و لازم نیست ما بگوییم این دقیق نیست و ممکن است خطا باشد و در محاسبه اشتباه شود. بالاخره شما وقتی مال کسی را تلف می‌کنید و ملزم به ادای قیمت آن می‌شوید، قیمت آن را چگونه محاسبه می‌کنید؟ آن قیمت را در بازار و عرف می‌سنجید؛ همان را باید به مالک آن شیء تلف شده بدهید. اینجا هم همینطور است؛ مگر آنجا محاسبه‌ها دقیق است؟ گاهی سؤال می‌کنند که اگر ضامن است، ضامن کدام قیمت؟ قیمت کدام منطقه و کدام شهر؟ می‌گویند این دقیق نیست و ما نمی‌توانیم حکم به ضمان کنیم. عرض ما این است که وقتی شما می‌گویید اگر مال دیگری را تلف کردید ضامن قیمت هستید، این قیمت با مراجعه به عرف در هر منطقه قابل کشف است. ممکن است در بازار هم قیمت‌های فروشندگان آن کالا متفاوت باشد و بالا و پایین باشد، اما بالاخره همان‌جا یک میانگینی در نظر گرفته می‌شود و به عنوان ادای آن مال تلف شده و جبران خسارت به مالک داده می‌شود. اینجا هم همینطور است؛ ما یک راه عقلایی برای محاسبه تورم و کاهش ارزش پول داریم که می‌تواند مبنای ضمان قرار بگیرد.

مشکلات محاسبه تورم در ایران

البته ناگفته نماند که محاسبات نرخ تورم در بعضی کشورها مشکل‌تر از برخی دیگر است؛ این فرمولی که ما ذکر کردیم، معلوم است؛ میانگین تغییرات قیمتی را در یک سبد کالایی محاسبه می‌کنیم و با ترتیبی که گفته شد، نرخ تورم را بدست می‌آوریم؛ اما این مشروط بر این است که قیمت‌ها واقعی باشد. در جایی مثل ایران این مسئله تا حدودی مشکل‌تر است؛ یعنی گاهی نرخ تورم در ایران واقعی نیست. دلیل اصلی این مسئله هم آن است که هر کشوری که یارانه پرداخت می‌کند طبیعتاً وقتی می‌خواهد محاسبه قیمت کند، قیمت واقعی را در میانگین قیمت‌های سبد کالایی در نظر نمی‌گیرد. فرض کنید بنزین به صورت یارانه‌ای در ایران داده می‌شود؛ قیمت واقعی بنزین، یعنی قیمت تولید بنزین یا واردات بنزین بسیار بیش از قیمتی است که برای عرضه به مردم در نظر گرفته می‌شود؛ مثلاً لیتری ۱۵۰۰ تومان سهمیه‌ای و لیتری ۳۰۰۰ تومان آزاد البته با یک محدودیت؛ اما به حسب واقع قیمت بنزین خیلی بیش از این حرف‌ها است. در سبد کالایی این قیمت را چگونه محاسبه می‌کنند؟ آیا قیمت رسمی اعلام شده ملاک قرار می‌گیرد یا قیمت تمام شده؟ این است که اینجا این تفاوت در قیمت می‌تواند در آن میانگین قیمتی سبد کالایی اثرگذار باشد. یا مثلاً فرض کنید ما در مورد تولید انرژی مثل برق، گاز، آب با این مشکل مواجه باشیم. یا مثلاً

قیمت دارو، چون یک مقدار زیادی از داروها با ارزی به نام ارز نیمایی وارد می‌شود؛ الان این صحبت است که این ارز برای سال آینده گران شود؛ گران شدن این ارز یعنی یک تغییر قیمتی فاحش در داروهای مورد نیاز در سال آینده که این خودش یک مصیبت است. یا مثلاً چیزی به نام ارز ترجیحی داریم برای واردات برخی کالاهای صنعتی و سرمایه‌ای یا چیزهایی که مورد نیاز مردم و از مصارف مردم است؛ اینها با نرخ آزاد ارز متفاوت است. نرخ ارز، تفاوت‌های نرخ ارز، چند نرخ بودن ارز، (غیر از همه مفاسدی که دارد و موجب خلق بعضی فرصت‌ها برای یک عده‌ای می‌شود، در محاسبه تورم هم مشکل ایجاد می‌کند). لذا در یک کشورهایی که چنین مسائلی وجود دارد، شاید تأثیر داشته باشد در محاسبه نرخ تورم و البته نرخ تورم را بالاتر نشان نمی‌دهد بلکه کمتر نشان می‌دهد. یعنی اینطور نیست که بگوییم نرخ تورم در واقع ۳۰ درصد و این ۳۵ درصد نشان می‌دهد؛ این برعکس است، اگر ۳۵ درصد باشد، ۳۰ درصد نشان می‌دهد. این مشکلاتی است که در یک اقتصادی مثل اقتصاد ایران وجود دارد. در این موارد محاسبه نرخ تورم با یک مشکلاتی مواجه است.

«والحمد لله رب العالمین»